

جریان های تکفیری جهادی در عراق و سوریه

سیدجواد موسوی^۱، حسین راهنمایی^۲

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

چکیده

پیدایش جریان های تکفیری جهادی در عراق و سوریه ریشه های خود را در تاریخچه پس از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ م و آشوب های سال ۲۰۱۱ م در سوریه دارد. این جریان ها، با ترویج عقاید تکفیری اسلامی و خشونت آمیز، منطقه را تهدید نموده و فقر، بیکاری، ناامنی و تداوم جنگ در این منطقه را تشدید کرده اند. القاعده و داعش از جمله گروه های تکفیری جهادی بر جسته در این منطقه هستند. آرمان های اصلی این جریان ها شامل تفسیر های شدید قرآن، ترویج خشونت و آشوب، مواجهه با هر چیزی که با عقاید آنها مخالفت کند و تشویق به عملیات انتحاری است. با تداخل با عوامل مختلف، این جریان ها تأثیر زیادی در منطقه داشته اند و بر تحولات آن تأثیری عمده گذاشته اند. در دهه های اخیر، حوادثی در برخی از کشورهای اسلامی رخ داد که جرقه ی آن ابتدا در سال ۲۰۱۰ م در تونس زده شد. محصول این رخداد، زایش گروه های جهادی رادیکال، به ویژه گروهک های تروریستی داعش و القاعده در عراق و سوریه و در مجموع، جهان اسلام بود. این نوشتار به دنبال واکاوی علل و زمینه های داخلی و خارجی پیدایش جریان های تکفیری با روشی اسنادی و تحلیلی است. یافته های تحقیق نشان می دهد اگر چه پیش از این، زمینه های شکل گیری جریان های تکفیری رادیکال در محیط بحران فراهم بوده، اما صف آرایی کنشگران منطقه ای و فرامنطقه ای نیز در بروز تشدید بحران و همچنین ظهور و پیدایش جریان های تکفیری نقش اساسی و مؤثر ایفا نموده است. ظهور جریان های تکفیری، به شدت، مناسبات خارجی سوریه و عراق را در دو سطح درون منطقه ای و فرامنطقه ای تحت تأثیر قرار داده و زمینه را برای منازعات و واگرایی روابط خارجی این کشورها فراهم نموده است.

واژه های کلیدی: جریان، تکفیری، رادیکال، جهادی، القاعده، داعش، سیاست، سوریه، عراق

مقدمه

جریان های تکفیری جهادی، به عقاید سرکرده های گروه های مذهبی مسلح اشاره دارد که به شدت متعصبانه و خشونت آمیز در عراق و سوریه عمل کرده و با ترویج دین اسلام و پیروی از تفسیرهای تکفیری آن، به مبارزه با هر آنچه بر خلاف آرمان های خود اعتقاد دارند، می پردازند. این جریان ها در روند پیدایش و توسعه خود، تأثیرات بسیار زیادی بر منطقه داشته و به گسترش فقر، بیکاری، ناامنی و تأسیس دولت های مبارززه جو و خشونت آمیز منجر شده اند. تاریخچه پیدایش جریان های تکفیری جهادی در عراق و سوریه، به سال های پس از جنگ عراق ۲۰۰۳ م و آشوب ها نشأت امنیتی پس از رویداد های سال ۲۰۱۱ در سوریه باز می گردد. پس از تجاوز آمریکا در عراق، عده ای از جناح های تکفیری جهادی مانند القاعده به بزرگی و رونق یافتند و خود را به عنوان قدرت های مقابل حکومت جدید عراق و قوای خارجی حاکم بر منطقه در نظر می گرفتند.

از سوی دیگر، در سوریه، تکفیری ها با پول ترکیه و قطر و با پشتوانه فکری غربی ها بخصوص آمریکایی ها اعتراضات علنی علیه دولت بشار اسد در سال ۲۰۱۱ به طور ناگهانی به یک مناطقی جنگنده تبدیل شد و جنگ داخلی رخ داد. در این فضای ناامن و عدم کنترل، گروه های مسلح تکفیری جهادی متفاوتی شکل گرفتند. گروه مهمترین و مؤثرترین آنها، داعش (ISIS) بود که با تبلیغات پر خشونت و برخورداری از تفسیر های تکفیری اسلام، مناطقی گسترده را تحت کنترل خود درآورد.

اصول و آرمان های اصلی جریان های تکفیری جهادی شامل برخی گفته ها و عقاید اسلامی مبتنی بر تفسیر های شدید و کشنده قرآن، ترویج خشونت و آشوب، مواجهه با همه یا هر چیزی که به عقاید آنها مخالفت کنند، به ویژه سایر مکاتب اسلامی و همچنین حکومت های بین المللی و نیرو های امنیتی شدید، تشویق به عملیات انتحاری و استفاده از هر روش های ممکن برای حکومت جهانی بر پایه ی دین اسلام.

در نتیجه، جریان های تکفیری جهادی در عراق و سوریه، با تداخل با عوامل مختلف مانند فشار اجتماعی، خشونت های نظامی و نیازهای مادی و معنوی از جوانان عقب مانده و بازداشت شده، در این منطقه ها شکل گرفته و بر تحولات آنها تأثیر چشم گیری گذاشته اند.

پیش در آمد

کشور های عراق و سوریه یکی از مهم ترین کشورهای غرب قاره آسیا به شمار می رود که به جهت پیشینه آن در تاریخ اسلام و وجود اماکن مقدس اسلامی، همواره مورد توجه مسلمانان به خصوص شیعیان جهان بوده است. هم چنین به دلیل موقعیت استراتژیک قوی و وجود منابع سرشار و ذخایر انرژی، مورد توجه قدرت طلبان و استعمارگران واقع شده است. این دو مسئله سبب شده تا این دو کشور در بسیاری از دوران تاریخ گرفتار جنگ و درگیری بوده و در پی آن انسان های بسیاری به خاک و خون کشیده شوند، زیرا از یک سو مورد هجوم مخالفان تشیع واقع شده و از سوی دیگر نیز مورد طمع و چشم داشت قدرت طلبان داخلی و استعمارگران خارجی قرار گرفته است. اما در دوران اخیر به خصوص پس از حمله نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق، موج دیگری از درگیری ها در عراق ظهور و بروز پیدا کرد که با انگیزه های سیاسی و جاه طلبی به کشتار مردم بی دفاع و هتک حرمت مقدسات دینی و مذهبی پرداخته و برگ جدیدی از تهاجم و جنایت را در این کشور رقم زده است. اما به راستی این جریان های تکفیری و جنگ طلب چگونه به وجود آمده و چه پیشینه ای دارد؟ این گروه ها چه اهدافی را در عراق و سوریه دنبال می کند و تاکنون چه دستاوردهایی داشته و چه آماری از فعالیت های تکفیری و تروریستی خود به جا گذاشته است؟ چه میزان از مردم بی گناه توسط این جریان کشته شدند و چه مقدار از مقدسات دینی توسط این گروه مورد تجاوز و هتک حرمت قرار گرفت؟ چه کسانی از این جریان های تکفیری حمایت کرده و چه کسانی از این جنایت ها سود می برند؟

پیشینه جریان های تکفیری

تردیدی نیست که جریان های انحرافی و تکفیری از صدر اسلام وجود داشته است و از همان عصر صحابه افراد نادانی بودند که با برداشت های غلط از اسلام، دچار انحراف گشته و حتی به نام اسلام، اهل ایمان را تکفیر می کردند که نمونه بارزشان خوارج نهروان است. تفکرات انحرافی همواره در طول تاریخ به حیات خود ادامه داده تا این که در اواخر قرن هفتم هجری توسط ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ ه ق) ظهور و بروزی دیگر یافت. ابن تیمیه که با عقاید باطل خود بسیاری از اعتقادات، آداب و سنن اسلامی نظیر شفاعت، توسل، تبرک، بنا و زیارت قبور را شرک می دانست در زمان خود چندان اقبال نیافت و بسیاری از عالمان هم عصرش و بعد از او، وی را گمراه می دانستند (حسینی میلانی، ۱۳۸۳، ۵۷۷-۶۰۰) اما متأسفانه تفکرات التفاطی او صدها سال پس از او توسط محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ ه ق) در شبه جزیره زنده شد، ابن عبدالوهاب و پیروانش با گسترش دادن راه ابن تیمیه مسلمانانی که با ایشان هم عقیده نبودند را تکفیر و به شرک متهم ساخته و بر این اساس، جریان جدید را بنا کردند (امین عاملی، بی تا، ۱۲۱-۱۲۲) این جریان که با نام «وهابیت» در جامعه اهل سنت شکل گرفته بود هر اندیشه و اعتقادی را که با باور های خویش متفاوت می یافت الحاد پنداشته و بر این اساس پیروان مذاهب گوناگون و به طور خاص شیعیان را تکفیر کرده و خون و مالشان را حلال دانستند و با رویکرد پیکار جویانه و خشونت بار به جنگ آن ها آمده و هر از چند گاه بادرگیری و ترور، انسان های بسیاری را به خاک و خون کشیده اند.

تفکرات التفاطی ابن تیمیه همان طور که توانسته بود توسط وهابیت در شبه جزیره گسترش یابد هم زمان در شبه قاره نیز با تاثیر پذیری شاه ولی الله دهلوی (حسینی، ۱۴۲۰، ۸۵۸-۸۵۹) و فرزندش شاه عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹-۱۲۳۹ ه ق) ادامه یافت، اما نه به تندی و خشونت پیکار جویانه وهابیت.

افکار وهابیت در شبه جزیره هم چنان به فعالیت خود ادامه می داد تا این که بعدها توانست توسط رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴ ه ق) به مصر و بلاد دیگر نیز نفوذ کند (فرمانیان، ۱۳۸۸، ۹۳) در مصر پس از رشید رضا شاگردش حسن البناء (۱۳۶۷-۱۳۲۴ ه ق) تفکرات او را تا حدودی ادامه داد و با تاسیس جماعت اخوان المسلمین رویکرد جدیدی در اسلام را با تلفیق اسلام تندروانه و صوفی گرایانه در پیش گرفت که از درون این جماعت سید قطب (۱۲۸۵-۱۳۴۵ ه ق) ظهور و بروز پیدا کرد، سید قطب متأثر از اندیشه های حسن البناء و ابوالاعلی مودودی (۱۳۲۱-۱۳۹۹ ه ق) بود (دکمجیان، ۱۳۶۶، ۱۴۰) که یکی تحت تاثیر فضای فکری شبه جزیره و دیگری تحت تاثیر فضای شبه قاره پرورش یافته بود، بر این اساس می توان سید قطب را حلقه وصل تفکرات ابن تیمیه در شبه جزیره و شبه قاره دانست، از این رو برخی نوشته اند که او تلاش می کرد تا اندیشه های ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱ ه ق) را احیا کند. (دکمجیان، ۱۳۶۶، ۱۴۱) با ظهور سید قطب تفکرات التفاطی در مصر وارد فضای جدیدی شده و به افراط گرایی همراه با جهاد روی آورد. او با تالیف کتاب معالم فی الطريق به تبیین جامعه آرمانی مد نظر خویش پرداخت که برای دست یابی به این جامعه باید به جهاد روی آورد (ژیل کوپل، ۱۳۸۲، ۴۲-۶۱) و پس از آن با انتشار عقاید خود به ایدئولوگ یک جریان افراطی در اخوان المسلمین در دهه ۱۹۷۰ م تبدیل شد. (دکمجیان، ۱۳۶۶، ۱۳۸) اندیشه های سید قطب پس از او با تفاسیر متفاوت پیروانش مواجه شد و همین امر سبب تشکیل احزاب و جریان های مختلفی گشت (هرابر دکمجیان، ۱۳۶۶، ۱۳۹-۱۷۰) اما تفکرات جهادی او از سوی پیروانش به کشور های مختلفی نفوذ پیدا کرد. در جریان جنگ شوروی در افغانستان و مهاجرت نیروهای اعراب به آن جا، برخی از پیروان تفکر جهادی سید قطب وارد افغانستان شدند که به عنوان نمونه می توان به افرادی همچون ایمن الظواهری (رئیس گذشته القاعده و از شخصیت های تاثیر گذار در تشکیل القاعده) (کمیل الطویل، ۲۰۰۷، ۳۴) اشاره کرد که کاملاً تحت تاثیر تفکرات سید قطب بوده است. (پیترا بلرگن، ۲۰۱۱، ۶۵) هم چنین عبدالله عزام (۱۹۴۱-۱۹۸۹ م) استاد بن لادن (۱۹۵۵-۲۰۱۱ م) رهبر پیشین القاعده، که به شدت تحت تاثیر حسن البناء و سید قطب بوده (عبدالرحیم علی، ۲۰۰۵، ۲۱-۲۲) و جهاد را از واجب ترین واجبات می دانست (عبدالرحیم علی، ۲۰۰۵، ۳۳-۳۵) مهاجرت این افراد به افغانستان، برای برخی کشورها از جمله آمریکا

که به جهت قدرت طلبی سیاسی در رقابت با شوروی بود بسیار خوشایند آمد، از این رو مهاجرین در کنار مجاهدین افغانستانی با حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا و عربستان به جنگ با شوروی پرداختند. پس از شکسته شدن هیمنه شوروی توسط مجاهدین و در پی جنگ های داخلی در افغانستان یک گروه اسلام گرای سلفی دیگری نیز به نام «طالبان» ظهور و بروز یافت که تحت حمایت مالی آمریکا (محمد سرفراز، ۲۰۰۸، ۹۰-۹۶) به فعالیت های نظامی بر ضد دولت مشغول بود. این گروه که از جهت عقیده به مهاجران جهادی عرب بسیار نزدیک بودند. در کنار آن ها قرار گرفته و جریانی تحت عنوان «القاعده» به سرکردگی اسامه بن لادن و ایمن الظواهری تاسیس شد. اما کم کم در پی قطع کمک های مالی و تسلیحاتی آمریکا، القاعده موی دماغ امریکا شده و منافع آنها را مورد هدف قرار داد، آمریکا نیز در مقابل به بهانه های مختلف از جمله ماجرای یازده سپتامبر و مبارزه با تروریست به این گروه در افغانستان حمله و آنها را سرکوب کرد. القاعده پس از سرکوب شدن توسط آمریکا به کشور های دیگر مهاجرت کرد و این امر سبب گسترش و انتشار جریان القاعده در کشور های مختلف به خصوص عراق و سوریه شد.

عراق که از سال ۲۰۰۳ م تحت اشغال آمریکا قرار گرفته بود فرصتی را برای یارگیری القاعده ایجاد کرد تا به بهانه مبارزه با آمریکا در عراق به فعالیت خود ادامه دهند. در همین زمان در عراق گروهکی تکفیری به نام «التوحید و الجهاد» به سرکردگی ابومصعب زرقاوی (۱۹۶۶-۲۰۰۶ م) به فعالیت های تروریستی مشغول بود، او که در جنگ افغانستان علیه شوروی نیز حضور داشت به همکاری با القاعده پرداخت و در کنار اسامه بن لادن و ایمن الظواهری قرار گرفت و در سال ۲۰۰۴ م به طور رسمی بیعت خود را با القاعده اعلام کرد و نام گروهک خود را به القاعده در بین النهرین (القاعده فی بلاد الرافدین) تغییر داد. (پترال برگن، ۱۳۹۰، ۴۳۶) او دشمنی با شیعه را در سرلوحه برنامه هایش داشت و از آن پس جنگ افسار گسیخته میان شیعه و سنی را نیز به بن لادن پیشنهاد داد. (پترال برگن، ۱۳۹۰، ۴۴۶) زرقاوی در نهایت در سال ۲۰۰۶ در حمله هوایی آمریکا کشته شد، اما فعالیت تروریستی تکفیری این جریان توسط جانشینانش و با تاسیس گروه «دولت اسلامی عراق» در سال ۲۰۰۶ ادامه یافت.

در سال ۲۰۱۱ در پی جنگ داخلی در سوریه گروهی به نام «جبهه النصره» به عنوان شاخه ای القاعده در سوریه، شکل گرفت و بیعتش را با ایمن الظواهری رهبر القاعده در افغانستان اعلام کرد. این گروه جنگجو در سوریه به فعالیت جهادی مشغول بود تا این که در تاریخ نهم آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی ابوبکر بغدادی سرکرده «دولت اسلامی عراق» در یک نوار صوتی از طریق شبکه «شموخ الاسلام» ادغام آن را با گروه تکفیری دولت اسلامی عراق اعلام کرد. با ادغام این دو گروه و دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» تشکیل شد. داعش فعالیت های گسترده جهادی را در شهر های مختلف سوریه و عراق در پیش گرفت، اما کم کم بین سرکرده گروه داعش که شخصی باعنوان مستعار ابوبکر البغدادی است با ایمن الظواهری رهبر القاعده اختلافاتی پیدا شد که سبب جدایی داعش از القاعده و شاخه آن در سوریه یعنی «جبهه النصره» گشت ایمن الظواهری نیز در یک نوار صوتی از طریق شبکه «الجزیره» ادغام این دو گروه را ملغی کرد و جبهه النصره را از شاخه های مستقل قاعده الجهاد (القاعده) دانست از این پس داعش رسماً از القاعده جدا شده و به عنوان یک گروه مستقل جایگزین آن در عراق شد و نام خود را با حذف پسوند «عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داده و بیعت با ابوبکر بغدادی سرکرده آن زمان این گروه تروریستی را به عنوان خلیفه مسلمین اعلام کرد. این امر بر بسیاری از حامیانشان که موقعیت سیاسی خود را در خطر می دیدند گران آمد، از این رو به مخالفت با آن ها پرداختند و اعلام «خلافت اسلامی» و تعیین ابوبکر البغدادی به عنوان خلیفه از سوی داعش را باطل دانستند (مقاله: الدولة الاسلامیه و تنظیمها للحیاء، ۲۰۱۴/۷/۲۶).

این گفتار، تاریخچه و پیشینه ای کوتاه از جریان های تکفیری جهادی در عراق است که به فعالیت های تروریستی از جمله کشتار مردم و هدم قبور و هتک اماکن مقدس و جنایت های دیگر در این دو کشور مشغولند. و باید ریشه این جریان رادیکال و پیکارجو را در عقاید انحرافی ابن تیمیه و وهابیت و پس از آن در افکار مذهبی سیاسی سیدقطب و جماعت اخوان المسلمین جست و جو کرد که القاعده و داعش یکی از پیامد های آن در کشور های عراق و سوریه است.

مفهوم تکفیر

امروزه جریان های تکفیری از راه بسط مفهوم تکفیر در بین مسلمانان، آسیب های بسیاری به اسلام وارد کرده اند. به همین جهت ضروری است قبل از بررسی دلایل این جریان ها، توضیح اجمالی پیرامون مفهوم این پدیده مطرح و این مطلب بررسی می شود که آیا تکفیر مورد نظر جریان های تکفیری، امری اعتقادی است یا خیر؟

تکفیر، پوشانیدن و انکار چیزی و یا نسبت کفر به کسی دادن و کافر خواندن اوست و به معنی از بین بردن هم آمده است. (طریحی، بی تا، ج ۳) اما در اصطلاح، به معنای ایمان نیاوردن به چیزی است که شأنش ایمان آوردن به آن است. از این رو مفهوم کفر در اصطلاح متکلمان معمولاً در مقابل ایمان و اسلام و به معنای انکار خدا و رسول ﷺ و یا یکی از ضروریات دین به کار رفته است. (رضوانی، ۱۳۹۰، ۲۹) هم چنین تکفیر اصطلاحی در کلام و فقه، به معنای «اتهام و نسبت کفر به مسلمان دادن» است (احمد قیومی، بی تا) پیشینه این اصطلاح در جهان اسلام، به صدر این دین باز می گردد. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام، به سبب تکفیر روی داده، هم چنان که برخی رخداد های سیاسی و اجتماعی از جمله: تکفیر خوارج، زمینه تکفیر را فراهم آورد. (طبری، ۱۴۰۷، ۲۵۰-۲۵۲) بسیاری از فرقه های خوارج کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می شد، حتی اگر از امت پیامبر ﷺ بود، تکفیر میکردند، در مقابل بعضی از مسلمانان نیز، خوارج را تکفیر کردن. (شهرستانی، بی تا، ۱۲۲-۱۲۸) مفهوم تکفیر غیر از اشاره به کافر بودن دیگران، دارای ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک نیز هست؛ چون امروزه گفتمان تکفیر، دستاویزی برای بیرون راندن افراد از عرصه های مختلف از جمله: دین، سیاست و حتی اقتصاد شده است و رویکردی مبتنی بر دفع دارد و نفوذ و غلبه اش را تحت عناوینی مانند: حزب، تشکیلات سیاسی و پارتی، مذهب، مکتب و غیره تداوم بخشیده است؛ بر این اساس پدیده تکفیر با مبانی توحیدی اندیشه اسلامی مغایرت دارد. (سقاف، ۱۳۹۰، ۱۲۸) به همین دلیل است که به نظر رشید رضا صاحب تفسیر المنار، بزرگترین گرفتاری مسلمانان در عصر حاضر این است که پیروان فرقه های اسلامی یکدیگر را به فسق و کفر منسوب می دارند، در حالی که کوشش همه آنان این است که در حد امکان به حقیقت دست یابند، و در این راه تلاش لازم را به عمل می آورند و اجتهاد خود را به کار می اندازند، هرچه که احیاناً خطا کنند (رشیدرضا، ۱۳۹۳، ۱۴۱).

ابن تیمیه، به عنوان رهبر تکفیریان امروزی، قائل است عامل افراط در تکفیر، عمدتاً عدم تمیز بین سنت و بدعت است؛ این که هر فرقه ای گمان می کند، سنت و روش مخالف او، بدعت است، از این رو مخالف خود را محکوم به بدعت و کفر می داند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۱۳) از دیدگاه ابن تیمیه هنگامی که دلیلی علیه قرآن و سنت اقامه شود، تکفیر معین صورت گرفته و حکم به شرک او می شود و با توجه به آیه (وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) «و ما عذاب کننده نبوده ایم تا وقتی که رسولی بفرستیم» اگر چنین فردی از روی جهل و عدم علم به حقیقت، مرتکب شرک شد، حکم به کفر او نمی شود. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۱۵۱) اما وی در جای دیگر معتقد است که اگر فردی با آن چه در کتاب و سنت ثابت است، مخالفت ورزد از چند حالت خارج نیست: یا مجتهدی است که در اجتهادش به خطا رفته و او را مجتهد مخطأ می نامند، یا کافر است یا فاسق و یا عاصی، که بر حسب آن چه شناخته شود، عقاب خواهد شد. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۱۱۳) برای شناخت اقوال ابن تیمیه در تکفیر لازم است مفهوم ارتداد را بشناسیم. ارتداد به معنای تحول و در شرع به معنای رجوع از اسلام به سوی کفر است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۴، ۲۶)

ارتداد از منظر ابن تیمیه به یکی از این سه شیوه شناخته می شود.

۱- قول صریح مسلمان

۲- لفظی که اقتضای کفر کند

۳- فعلی که متضمن معنای کفر است

در بیان عقوبت مرتد و شخص تکفیر کننده باید گفت مرتد به نص رسول الله ﷺ یا به اجماع صحابه؛ کشته خواهد

شد و تنها راه نجات او از قتل، توبه است. (ماوردی، ۱۴۰۷، ۴۸)

ابن تیمیه در باب پرهیز از تکفیر می گوید:

تکفیر از احکام شرعیه و از حقوق خدا و رسولش محسوب می شود و هیچ کسی از مردم حقی در این زمینه ندارد و بر مردم است که واجب بدانند هر آنچه را خدا واجب کرده و حرام بدانند هر آنچه را خدا حرام نموده است. (ابن تیمیه، بی تا، ۹۲)

چشم انداز گروه های تکفیری جهادی در عراق و سوریه:

گروه های افراطی - تکفیری با چشم اندازها و انگیزه های گوناگونی، عراق و سوریه را وارد بحران نمودند. احیای خلافت اسلامی و شیعه ستیزی، دو چشم انداز عمده و مهمی است که جریان های تکفیری برای رسیدن به آن، سوریه و عراق را مورد حمله و تهاجم قرار دادند:

احیای خلافت اسلامی

ایده ی احیای خلافت جهانی اسلامی، یکی از ارکان و ویژگی های فکری گروه های جهادی رادیکال برشمرده می شود که ریشه ی تاریخی عمیق در تاریخ اسلام دارد. الگوی آرمانی حکومت در نگاه اهل سنت، مدل خلافت است که خلافت راشدین را در صدر اسلام به یاد می آورد. «خلافت» ساختار فقهی سیاسی اهل سنت برای حکومت بر جامعه ی اسلامی است. (ابن فارس، ۱۴۰۸، ج ۳: ۷۴۵) نظریه ی خلافت در اندیشه ی اهل سنت، ناظر به دیدگاه سلفیه است که در تقابل با نظریات جدید است که معمولاً شورا محور اند. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۵۳) جمهور اهل سنت، نسبت به وجوب تأسیس حکومت اجماع دارند و یکی از قوی ترین ادله و مستندات اجماع در نظر آنان، قاعده ی «لاضرر» است، (فیرحی، ۱۳۷۵: ۱۲۵) سقوط عثمانی در سال ۱۹۲۲م، سر آغازی شد که نخبگان سلفی به فکر بازگشت خلافت اسلامی بیفتند، هرچند آرمان احیای خلافت اسلامی در حد دغدغه ی فکری باقی ماند، اهتمام مستمر، موجب ثنویزه شدن فقه جدید سیاسی اهل سنت شد. اشخاصی مانند «رشید رضا» در باز تعریف اندیشه ی خلافت اسلامی نقش مؤثری داشتند. «سید قطب» از دیگر اندیشمندان سلفی است که با رد تساهل و ارائه ی نظریه ی لزوم هجرت از جامعه و جهاد با حاکمان مستبد، اندیشه ی سلفی را وارد مرحله ی جدیدی کرد و شیوه ی انقلابی را برای براندازی حاکمان مستبد در پیش گرفت. (عنایت، ۱۳۶۶: ۱۳۲-۱۳۵) امروزه، جریان های سلفی تکفیری، با چشم داشت احیای خلافت اسلامی، می کوشند به سرعت جامعه ی - به زعم خود - کافر شده را به جامعه ای مسلمانان و تمام عیار تبدیل کنند و حکومت اسلامی را با جهاد مسلحانه و مستمر احیا نمایند. رهبران این جریان، که در باره ی ضرورت تشکیل «خلافت به شیوه پیامبر ﷺ» (الخلافة علی منهج النبی ﷺ) ادعای اجماع کرده اند، سلطه ی سیاسی را در جامعه ی اسلامی، جزو حقوق ملت نمی دانند. (بهنساوی، ۱۳۸۸: ۱۸۶) به همین دلیل، با اندیشه ی دموکراسی و سازوکارهای آن مانند، انتخابات و تفکیک قوا به شدت مخالفت کرده و آن را در حد شرک و کفر تنزل داده اند. عراق و سوریه نیز از کشورهای است که گروه های افراطی مانند داعش، به قصد استیلا وارد آن شدند. در نگاه گروه های جهادی، تجاوز به عراق و سوریه نه تنها اشغالگری نیست، که برخی از علمای سلفی مانند «شیخ یوسف القرضاوی» رئیس اتحادیه ی علمای مسلمین، ناامن کردن کشور های مانند عراق و سوریه را انقلاب مردمی دانست و فتوا داده بود: کسانی که به دست جنگ جویان ما در سوریه کشته می شوند. قتلشان واجب است یا گناهی ندارند که در این صورت، شهید حساب می شوند و به بهشت می روند. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳ش، <http://www.mehrnews.com>؛ میراحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۷)

به هر حال، جریان های تکفیری، با الهام گیری از افکار رهبران سلفشان، در کشور های اسلامی، به ویژه در عراق و سوریه، دست به رفتارهای خشونت آمیز، قتل و کشتار به نام جهاد زدند. داعش، که خشن ترین تشکیلات تروریستی در بین همه ی گروه های برجسته در خاورمیانه به شمار می رود، از آغاز شکل گیری تاکنون، سبب بحران و چالش در عرصه ی سیاست خارجی و داخلی کشورهای منطقه، به ویژه در عراق و سوریه، شده است. داعش نه تنها با انگیزه و چشم انداز تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت اسلام در «شامات» به عنوان مرکز خلافت اسلامی پا به عرصه ی

ظهور گذاشت، که قصد تسلط بر همه ی سر زمین های اسلامی و جهان را داشت. چنانچه «البغدادی» در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴م اظهار داشت که پسوند عراق و سوریه را از نام سازمان حذف کرده، زیرا قلمرو خلافت، همه ی دنیاست، نه فقط عراق و سوریه؛ به همین دلیل، نام سازمان را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. (طارمی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) داعش در همین باره اعلام کرد که به دنبال برداشتن مرزها و ایجاد خلافت واحد در سرزمین های اسلامی است؛ از این رو، برای دادن جنبه ی عملی به شعار، فعالیت های خود را از عراق، به سوریه گسترش داد و سوریه و عراق را سر زمین واحد خواند. (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۶)

شیعه ستیزی

یکی دیگر از اهداف و چشم اندازهای گروه های افراطی، به ویژه داعش، دشمنی با شیعه و مبارزه با شیعیان است؛ از این رو، تکفیری ها و همچنین دولت های پشتیبان آنان کوشیدند جنگ عراق و سوریه را جنگ مذهبی معرفی نمایند؛ به همین دلیل، گروه های تکفیری عناصر خود را با انگیزه های مذهبی و جهادی توجیه و روانه ی میدان می کردند. تکفیری ها تا توانستند، در تبلیغات القا نمودند که جنگ عراق و سوریه، جنگ شیعه (علوی) و سنی است، بر اساس همین تبلیغات روانی سنگین و پرحجم، شمار زیادی از اهل سنت تکفیری، از سراسر جهان به منظور جهاد با علوی ها و به اصطلاح خودشان، «روافض» وارد عراق و سوریه شدند، فتاوی رهبران و مفتیان سلفی - تکفیری در باره ی این که شیعیان (علویان) بدتر از یهود و نصارا هستند و ریختن خونشان جایز است به کثرت نیروهای تکفیری بسیار کمک کرد. حمایت کشورهای شیعی از نظام سوریه نیز در روند افزایشی نیروها و نشان دادن جنگ مذهبی بی تأثیر نبود. در حالی که حمایت کشورها و جریان های حامی نظام سوریه مانند ایران و حزب الله، با انگیزه ی این که سوریه، محور مقاومت است و به منظور خنثی سازی سناریوهای امریکا و رژیم صهیونیستی صورت می گرفت، معارضان عراق و سوریه و تکفیری ها به منظور ایجاد انگیزه در اعضای خود برای جنگ با ارتش سوریه، جنگ مذهبی را تبلیغ می کردند. (زارعان، ۱۳۹۲: ۲۷) مهم ترین استدلال تروریست های تکفیری از سقوط و اشغال سوریه این است که نظام سوریه، علوی مذهب است و با این بهانه که «حافظ اسد» و «بشار اسد» علوی هستند، چنین تبلیغاتی را راه انداختند تا جنگ مذهبی و فرقه ای را توجیه کنند. وهابی ها، سلفی ها و تکفیری ها با چنین استدلالی، سوریه را ارض جهاد اعلام کردند و علوی ها و شیعیان را به جرم این که علوی مذهب هستند، حتی به صورت دسته جمعی و بر اساس فتاوی مفتی های وهابی به قتل می رساندند. (جوانی، ۱۳۹۲ش، www.javanonline.ir) در واقع، تبلیغات جنگ مذهبی، توطئه ی خارجی و پشتیبانان منطقه ای گروه های تروریستی است که با هدف خارج کردن سوریه از محور مقاومت طراحی شده بود. گرچه برخی از زمینه های داخلی، مقدمات بحران را در سوریه فراهم ساخت، ولی مخالفان با استفاده از زمینه های داخلی، توطئه ی بزرگی ضد سوریه راه انداختند که در صورت اجرا شدن، دیوار مقاومت فرو می ریخت. در حقیقت، کارشناسان فرانسوی و اسرائیلی نظریه پردازی جنگ مذهبی را سال ها پیش در مرکز مطالعات مذاهب منطقه ی عربی «آریل» در اسرائیل ارائه دادند و به نتیجه رسیدند که بهترین راه رهایی اسرائیل از خطر مقاومت، راه اندازی جنگ مذهبی بین اهل سنت و شیعیان در غرب قاره آسیا و خلیج فارس است. ایده ی خاورمیانه ی جدید، که «شیمون پرز» رئیس رژیم غاصب اسرائیل دنبال می کرد. از همین تئوری نشئت گرفته است. براساس این ایده، رژیم صهیونیستی و حامیان فرمانطقه ای اش مانند امریکا و کشورهای اروپایی، با کمک برخی از کشورهای عربی همسو، باید تضاد اعراب و اسرائیل را به تضاد ایران شیعی و عرب های سنی تبدیل نمایند؛ بنا بر این، بحران سوریه باید با چنین نگاهی ارزیابی شود. بر اساس این بود که قطری ها و وکیل مدافع آنان یعنی «یوسف القرضاوی» سوریه را ارض جهاد نامیدند و آتش جنگ مذهبی را در این کشور بر افروختند. بر همین اساس بود که آل سعود و وهابی ها، اولویت اولشان، کشتار علوی ها و شیعیان در سوریه شد، (میرعلی، ۱۳۹۶: شماره ۱۵)

هدم آثار و مکان های مقدس

تخریب و هتک حرمت اماکن مقدس و هدم قبور اموات و بزرگان یکی دیگر از سوابق شوم وهابی ها، تکفیری ها و تروریست های القاعده و داعش است. این جنایت شوم که پس ظهور و بروز وهابیت در عربستان و با تخریب آثار مقدس باقی مانده از صدر اسلام، تخریب قبور مطهر فرزندان و خاندان پیامبر به خصوص ائمه اطهار مدفون در بقیع و قبور برخی اصحاب رسول خدا آغاز شد، هم اکنون توسط جریان های تکفیری القاعده و داعش در عراق و سوریه ادامه دارد که هر از چندگاه با تصرف مناطق مختلف به این جنایت دست می زنند.

بزرگ ترین و دردناک ترین جنایت تکفیری ها در عراق که داغ سنگینی بر دل شیعیان جهان گذاشت، تخریب بارگاه مقدس امام هادی و امام عسکری (علیها سلام) بوده است که در بامداد سوم اسفند ۱۳۸۴ ش. (مصادف با بیست سوم محرم ۱۴۲۷ ق و بیست و دوم فوریه ۲۰۰۶ م) قلوب شیعیان جهان را جریحه دار کرد و انسان های آزاده دنیا را به تعجب واداشت. القاعده عراق که در تاریخ تحت رهبری ابومصعب زرقاوی به فعالیت تروریستی مشغول بود مسئولیت این انفجار را به عهده گرفت. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۴/۱۲/۶) این جنایت ها هم چنان ادامه داشت تا این که داعش با ظهور خود آمارجدیدی در مناطق مختلف عراق سوریه به جا گذاشت و با تعرض به مقدسات ادیان و مذاهب گوناگون و بزرگان آن ها برگ جدیدی از جنایت از جنایت ها را در کارنامه ننگین خود رقم زدند. برخی سایت های وابسته به داعش رسماً اعلام کردند که تخریب و هدم همه حسینیه ها و قبور در دستور کارشان قرار دارد (www.dawaalhaq.com.2014/8/6) و پس از تصرف موصل در بیانیه ای شانزده ماده ای اعلام کردند که موضع ما در باره مشاهد و زیارتگاه ها این است که هیچ قبری و هیچ تمثالی در عراق نخواهد بود مگر اینکه آن را هموار و نابود خواهیم کرد (مقاله ای با عنوان الدولة الاسلامیه و تنظیمها و قابلیتها للحیاء، www.aljazeera.net: ۲۰۱۴/۷/۲۶) و از اوایل جولای تعداد زیادی از مساجد، حسینیه ها، کنیسه ها، زیارتگاه ها و آرامگاه ها را در تلغفر و موصل تخریب کردند. و نیز قبور انبیای الهی حضرت یونس و حضرت شیث را در موصل منفجر کردند که شبکه الجزیره تصویری ویدئویی از این انفجارها منتشر کرده است به گزارش منابع خبری، داعش در بیست و ششم خرداد ۱۳۹۳ آرامگاه «ابن اثیرجری» مورخ اسلامی و در تاریخ سوم تیر ۱۳۹۳ مصادف با بیست و چهارم ژوئن ۲۰۱۴ آرامگاه «فتح موصلی» معروف به شیخ فتاحی از عرفای قرون اول اسلامی را در موصل (www.mashreghnews.ir.1393/3/4) و نیز در تاریخ چهارم تیر مقام حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) و دو حسینیه در شمال موصل و نیز در ماه ژوئن مقام حضرت زینب در غرب موصل را تخریب کردند. (www.imn.iq2014/8/3)

این گروه که بدون حفظ هیچ حریمی به اماکن مقدس هتاک می کنند در آخرین تعرضاتشان در استان نینوی کلیساها، مساجد و حسینیه ها را به پایگاهی برای خود تبدیل کرده اند. برخی خبرگزاری ها نیز تصاویری از عملیات های تخریب قبور و حسینیه ها در موصل منتشر کردند.

داعشی ها در تصرف موصل حتی آثار مکتوب علمی و نسخه های خطی بسیاری را نیز از بین بردند که به گزارش العراقیه ۱۲۰۰ نسخه مخطوط کمیاب را در کنیسه های موصل به آتش کشیدند. (www.imn.iq.2014/8/6)

تعرض به نوامیس

تکفیری ها تمامی شرافت های انسانی را لگد مال کرده و هیچ حریمی برای انسانیت نمی شناسند. اینان که با سنگدلی تمام انسان های بی شماری را قربانی کرده اند در برگ دیگری از کارنامه خود انسانیت را نیز به قربانگاه کشیده و با تعرض و تجاوز به نوامیس مسلمانان، وحشی گری را به اوج رسانیده اند. القاعده و داعش که به نام شریعت به جنگ دیانت آمده اند با وحشی گری تمام به زنان و دختران تجاوز کرده و حیثیت زنان مسلمان را قربانی شیطان صفتی خود می کنند، یا به نام دین زنان را طعمه ای برای اشباع شهوات قرار داده و با فتوهای شیطانی نظری جهاد نکاح، به شهوت رانی و هوس بازی می پردازند، یا با فریب کاری زنان و کودکان را به عملیات های انتحاری واداشته و از این طریق سوء

استفاده می کنند. گاهی اوقات نیز پس از سوء استفاده جنسی از زنان و دختران کم سن و سال، به نام شریعت کمر بند انتحاری به آن ها بسته و به زندگیشان خاتمه می دهند. به گزارش برخی خبرگزاری ها به نقل از برخی کارشناسان، جانیان القاعده که طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در دیالی و انبار متمرکز شده بودند، ۳۷ عملیات انتحاری را از طریق زنان در عراق انجام دادند. (www.Farsnews.com.1391/8/12)

گروهک تروریستی داعش نیز که از اردیبهشت سال ۱۳۹۳ فعالیت جدیدی را در عراق شروع کرده است بر اساس اخبار منتشر شده تجاوز به زنان و دختران را نیز در کارنامه سیاه خود رقم زده اند، خبرنگار بولتن نیوز در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت همین سال در گزارشی از اقلیم کردستان عراق، نوشته است که داعش با توسل به زور چهار دختر کرد را مورد تجاوز قرار داده و چهار جوان پسر کرد که همراه این چهار دختر بودند را تیرباران کردند و سپس دختران را آزاد کردند. (www.bultanneews.com)

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ پنجم تیر ۱۳۹۳ به نقل از مرکز خبری رسانه های عراقی «آی ام ان» و نیز خبرگزاری تسنیم در صفحه بین الملل خود به نقل از پایگاه خبری اصوات العراق نوشته اند گروهک تروریستی داعش در منطقه العلم در استان صلاح الدین سه زن عراقی را بعد از تجاوز سر بردند. در خبری دیگر آمده است یکی از اعضای شورای استان کرکوک در گفت و گو با شبکه خبری السومریه نیوز تصریح کرد: تروریست های مسلح پس از اشغال روستای «بشیر» در منطقه «تازه» واقع در بیست و پنج کیلومتری جنوب کرکوک، تمامی زنان و کودکان یک خانواده را اعدام کرده اند.

برخی شبکه ها و خبرگزاری های عربی نیز خبر داده اند که داعش با تسلط به مناطق مختلف عراق زنان را مورد تجاوز قرار می دهد و به جنایاتی در نینوی و شهر موصل اشاره کرده اند. (۲۳/ژوئن/ 2014 www.almayadeen.net)

این جنایت ها گوشه ای از تجاوزات تکفیری ها در عراق است که منتشر شده و چه بسیار زنان و دخترانی که به جهت حفظ آبرو از انتشار این جنایت ها پرهیز کرده و هم چنان غم این بی حرمتی را در سینه خود نگه می دارند.

جریان های حامی

حامیان تکفیری ها در عراق را می توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه نخست دولت های خارجی به خصوص برخی کشورهای عربی منطقه نظیر عربستان و قطر که بی تردید حمایت های عربستان نقش بسزایی در پیشبرد این جریان ها داشته است؛ چنان که نخست وزیر عراق در یک گفت و گوی تلویزیونی در تاریخ دهم مارس ۲۰۱۴ قطر و عربستان به دخالت در عراق متهم کرده و ریاض را بانی تمام خشونت های منطقه دانست و تاکید کرد که این دو کشور در پی براندازی عراق هستند از این رو مستقیماً به جنگ با این کشور آمده اند. (www.imn.iq) خبرگزاری ایسنا به نقل از برخی مسؤولان سیاسی عراق نوشت: دولت این کشور اسنادی در خصوص حمایت عربستان از تروریسم در عراق به دست آورده که بر اساس این اسناد، دولت عربستان با ارسال سلاح و مهمات و کمک های مالی از این جریان حمایت می کند. (www.isna.ir.2014/7/5-1393/4/14)

خبرگزاری فارس هم در تاریخ سی و یکم خرداد ۱۳۹۳ سندی را با تصویر منتشر کرده است مبنی بر آن که دولت قطر در سفارت خود در طرابلس به آموزش برخی افراد جهت اعزام به عراق برای پیوستن به گروه تروریستی داعش اقدام کرده است. خبرگزاری شبکه العراقیه نیز به نقل از برخی روزنامه های انگلیسی نوشته است که دولت های قطر و عربستان با کمک های مالی خود به عشایر مناطق شمالی و غربی عراق در قبال همکاری با داعش، نقش به سزایی در سقوط این مناطق داشته اند. (www.imn.iq.2014/7/13) العراقیه در خبری دیگر نوشته است که دولت عربستان و قطر به کسانی که در عراق می جنگند ماهیانه هفتصد دلار پرداخت می کند.

گروه دومی که جریان های تکفیری عراق و سوریه را حمایت کردند برخی شخصیت های دینی و سیاسی داخلی و خارجی و نیز پس مانده های بعثی های عراق بودند که از مردم و نظام حاکم بر عراق زخم خورده اند. بنا به گزارش

خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «الرابط الیمنی» بر اساس برخی اسناد، ۱۳۱ شخصیت آکادمیک، فعالان سیاسی و شخصیت های دینی وابسته به ۳۱ کشور در جهان، گروه تروریستی داعش را از جهت مالی تامین می کنند که ۲۸ شخصیت سعودی و دوازده نفر از افراد سیاسی و دینی عراق در صدر این گزارش هستند. این پایگاه خبری به اسامی ۴۲ نفر از آن ها اشاره کرده است. (www.Farsnews.com.1393/4/1).

حامیان جریان های تکفیری با هدفی واحد به دنبال ایجاد هرج و مرج در عراق و سوریه بودن، اما هر کدام از آن ها انگیزه های گوناگونی دارند. به نظر می رسد علت اصلی حمایت دولت عربستان از جانیان تکفیری، نگرانی از قدرت گرفتن شیعیان در منطقه است. عربستان با تعصبات سنی گری به دنبال مطرح کردن خود به عنوان مرکز حاکمیت اسلام بوده و همواره از نفوذ قدرت ایران و حمایت او از کشور های شیعی هراس داشته است، از این رو به دنبال تضعیف کشور های شیعی می باشد تا از این طریق بتواند قدرت های منطقه را به زیر بکشد. فعالان مذهبی به خصوص کسانی که تحت تاثیر وهابیت هستند نیز با تعصبات خود به دنبال ایجاد تنش میان سنی و شیعی بوده و هدف اصلی شان از بین بردن دولت شیعی در عراق است. فعالان و گروه های مخالف سیاسی نیز که بیشتر زخم خورده های بعثی هستند به دنبال جبران قدرت از دست رفته خود و تشدید نزاع های طایفه ای می باشند.

اهداف جریان های تکفیری

به طور خلاصه می توان اهداف جریان های تکفیری را در دو بخش مذهبی و سیاسی خلاصه کرد؛ از یک سو حکومت ها و دولت ها را جاهلی دانسته و با تفکرات رادیکالی و انگیزه های جهادی به دنبال ایجاد حکومت دلخوا خود هستند که این هدف، میراث اندیشه های سید قطب است. چنان که داعش نیز بر همین اساس نام «دولت اسلامی عراق و شام» را برای خود انتخاب کرده و برای تشکیل حکومت در این منطقه تلاش می کند، از این رو سر کرده خود یعنی ابوبکر البغدادی را به عنوان خلیفه معرفی کرد و مردم را به بیعت با او مجبور کرده اند و نیز با تصاحب و تصرف مناطق مختلف به نصب استاندار و فرماندار اقدام کردند. العالم در مقاله ای نوشته است: داعش که یک جریان سلفی جهادی و تکفیری است به دنبال باز گرداندن چیزی است که به آن «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می گویند. (من هی داعش و ماهو اهدافها؟، www.Alalam.ir.2014/1/7).

و این مسئله نیز همان اندیشه های بنیاد گرایانه ای است که از مصر و توسط سید قطب سر درآورده است. از سویی دیگر، جریان های تکفیری با وهابی گری و تعصبات تندروانه مذهبی، پیروان مذاهب دیگر به خصوص شیعیان را مشرک و کافر دانسته و با خشونت تمام به جنگ و کشتار پیروان مذاهب دیگر آمده اند و چنان که از آمار یاد شده به دست می آید غالب کشته شدگان در جنایت های عراق شیعه بوده اند و بسیاری از آن ها در حین برگزاری مراسم مذهبی از جمله زیارت و عزاداری برای ائمه اطهار (علیه السلام) کشته شده اند که این خود نشان دهنده وهابی گری و دشمنی با زیارت و توسل ائمه اطهار است، از این رو با مشرک دانستن زائران ائمه (علیه السلام) آنان را به خاک و خون می کشند. (مرتضی علیزاده نجار، ۱۳۹۳، دوره ۱)

عوامل شکل گیری جریان تکفیری

ظهور و گسترش پدیده ی تکفیری در صحنه ی سیاسی دنیای اسلام، به ویژه در عراق و سوریه را نمی توان آنی و بدون مقدمه دانست، بلکه پیدایش این جریان، اغلب برآیند شرایط پیچیده ی داخلی عراق و سوریه و همچنین تعامل و تقابل قدرت بین بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای است که در ذیل به آن اشاره می گردد:

عوامل داخلی

بدون تردید، «افراط گرایی اسلامی» به مثابه نظام اندیشه و عمل «معلول محیط بحران و فشار» است، عراق و سوریه نیز از کشور های مهم غرب آسیا به شمار می رود که از دیرباز، به دلیل ساختار ناهمگون اجتماعی، روی گسل های نیمه فعال بحران ها مانند «شکاف های اجتماعی» قرار داشته است، ولی بحران های مزبور، به دلیل سازوکار های

کنترلی شدید، کمتر مجال بروز و ظهور یافت تا این که در دو دهه ی اخیر، دلایل متعددی مانند ناکامی نظام های حاکم در مدیریت بحران، یکباره سبب فعال شدن بحران و اضمحلال سازوکارهای نظام اجتماعی گردید و موجب شد شرایط «هابزی» یعنی «جنگ همه ضد همه» به وجود بیاید؛ بنا براین، ظهور تروریسم و افراط گرایی در سوریه و عراق، پاسخی به آشفتگی های عظیم و فعال شدن بحران های حاد و فراگیر اجتماعی بوده است.

شکاف اجتماعی

منظور از شکاف اجتماعی در پژوهش، عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به گروه های متفاوت تقسیم می کند. این گروه بندی ها ممکن است با کسب خودآگاهی و سازمان یابی، به کنش سیاسی بپردازند؛ به بیان دیگر، شکاف های اجتماعی، خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش ها، شأن و منزلت، اقتدار و ... اجتماعی هستند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹؛ کریمی، ۱۳۹۶: ۷۶)

منازعات و بحران های موجود در سوریه و عراق و تبیین چرایی ورود منازعات نیروهای اجتماعی این کشورها به عرصه ی سیاسی، بر اساس نظریه ی «شکاف های اجتماعی» تجزیه و تحلیل می شود، بدین معنا که عوامل داخلی مانند بحران هویت، سیاسی شدن هویت های مذهبی اهل سنت، هویت های قومی کردها، بحران دولت سازی فراگیر، مشروعیت . گروه بندی های قومی و مذهبی، نقش بنیادی در ظهور جریان های تکفیری و رادیکالیسم اسلامی در عراق و سوریه داشته است. سوریه پس از وقوع انقلاب در تونس، به سمت بحران و جنگ داخلی کشانده شد؛ ابتدا اعتراض ها و کنش های جمعی به صورت مسالمت آمیز و برای اصلاحات سیاسی بود، ولی به دلیل مدیریت نکردن بحران، بهره برداری رهبران سنی مذهب و سلفی های تندرو و نیز دخالت قدرت های فرامنطقه ای، اعتراض ها از جنبه ی مسالمت آمیز خارج و به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل شد. معمولاً جوامعی که همگونی کمتری دارند، با انواع گوناگونی از شکاف های قومی، نژادی، مذهبی و منطقه ای رو به رو هستند و فقدان هویت ملی فراگیر، سبب به وجود آمدن شکاف های اجتماعی ساختاری می شود. از حیث ترکیب جمعیتی، سوریه نیز جامعه ناهمگون و نامتجانس است، چنانچه فقدان تجانس، که ریشه های تاریخی بسیار درازمدت دارد، شکاف اجتماعی دیرپایی در این کشور ایجاد کرده است، (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۱۷)

شکاف قومی

سوریه و عراق از نظر ساختار اجتماعی، ناهمگون و متشکل از گروه های نژادی و قومیت های گوناگون است و مؤلفه های قومی، دینی و مذهبی بسیاری در کنار هم زندگی می کنند. عرب ها و کردها، بزرگ ترین گروه قومی، عراق و سوریه را تشکیل می دهند. ترک ها، ترکمن ها و ارمنی ها، دیگر گروه های قومی هستند که در مراحل بعدی قرار دارند. این خرده فرهنگ ها و تنوع قومی، دینی و مذهبی، افزون بر این که نقش سازنده در تقویت فرهنگ این کشور داشته، در تحولات اخیر نیز به نحوی اثرگذار بوده است. (زارعان، ۱۳۹۲: ۲۳) در نیم قرن گذشته، شکاف قومی در عراق و سوریه نهادینه شده است، چنانچه شکاف قومی بین کردها و اعراب، که بزرگ ترین گروه قومی به شمار می روند، در حال هویت یابی بر اساس عامل قومیت است. شکاف قومی، که به دلیل پراکندگی جمعیتی کردها در سوریه، عراق و فشارها و محدودیت های سیاسی و مدنی دولت غیر فعال باقی مانده بود، به شکاف اجتماعی و سیاسی فعالی تبدیل شده است. در کنار شکاف قومی (کردی - عربی)، سرکوب سیاسی و فرقه گرایی حکومت، فقدان گردش نخبگان، ماهیت پلیسی امنیتی حکومت، بحران مشروعیت و مشارکت، نارضایتی عمیق اهل سنت از تقسیم قدرت و باورهای مذهبی تکفیرگرایانه، دیگر عوامل خشونت و نزاع و شکل گیری افراط گرایان تکفیری در جامعه ی عراق و سوریه به شمار می رود. استمرار این امور عملاً به اعتراض های ۲۰۱۱ م منجر گردید و جریان های افراطی و رادیکال های تکفیری را به وجود آورد. (نیاکویی، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۱۰۶)

شکاف مذهبی

شکاف‌های که بر اساس عامل مذهب، جامعه را به گروه‌های متمایز تقسیم می‌کند، شکاف‌های مذهبی نام دارد. شکاف‌های مذهبی بر اساس عمق اعتقادات و باورهای پیروان مذاهب و همچنین آموزه‌های مذهبی، همانند گروه قومی ناهمگون و به هیچ روی یکدست نیست. بزرگترین گروه دینی - مذهبی سوریه را اهل سنت تشکیل می‌دهد. (محب علی، ۱۳۹۰: ۱۶۴) امروزه، شکاف مذهبی، از ویژگی‌های اصلی بنیادگرایی در سوریه بر شمرده می‌شود. (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۲۶) دکمجیان نیز جنبش اعتراضی سنی‌ها را ضد حکومت تحت سلطه‌ی علوی‌ها، ویژگی اصلی بنیادگرایی مذهبی در سوریه می‌داند. (هرایر، ۱۳۷۷: ۲۰۲)

شکاف‌های اجتماعی - چه عامل آن مذهبی باشد یا قومیت - بیانگر خطوط تعارض و تمایزی است که بر سرهنجارها و ایستارهای اجتماعی، سویه‌ها و کارکردهای اجتماعی - فرهنگی گروه‌های گوناگون فعال یا مؤثر در بافت اجتماعی وجود دارد و گاه و بیگاه این گروه‌ها را به اشکال مختلف رویاروی هم قرار می‌دهد. (سمیعی، ۱۳۵۸: ۱۳-۱۴) هرچه شکاف‌های اجتماعی از ماهیت و محتوای عقیدتی، هویتی و ایدئولوژیک بیشتری برخوردار باشد. کشمکش سیاسی برآمده از آن با تخاصم و خشونت بیشتری همراه خواهد بود. همچنین این شکاف‌ها هرچه معطوف به دولت باشد و نیروهای معارض برآمده از آنها، دولت را آماج خود سازند، احتمال تجدید و گسترش کشمکش‌ها و خشونت‌آمیز شدن آنها بیشتر خواهد شد و هرگاه شکاف‌های متعدد اجتماعی و سیاسی همزمان فعال شود، کشمکش‌های سیاسی گسترده‌تر شدیدتر خواهد بود و احتمال خشونت‌آمیز شدن آنها بیشتر می‌شود. (دلآوری، ۱۳۷۸: ۷۷-۸۴) سوریه نیز دارای شکاف‌های هویتی، عقیدتی و ایدئولوژیک است که معطوف به دولت است و همزمان فعال شده است. سوریه دو قوم اصلی (کرد و عرب) و دو مذهب سنی و علوی دارد. در شرایط ضعف دموکراتیک و تسلط علوی‌ها بر حکومت و اقتدارگرایی حکومت بشار اسد، امنیت اجتماعی اقوام و مذاهب بر هم خورده است، به گونه‌ای که نیروهای کرد به شدت نگران هویت فرهنگی و زبانی خود شده‌اند و اسلام‌گرایان سنی نیز از سیاست‌های سکولاریستی اسد و تسلط علوی‌ها ناراضی هستند.

حکومت بشار اسد مبتنی بر نوعی اقتدارگرایی شدیدفرقه‌ای است که به مرور سبب آسیب‌پذیری آن شده است. برگزار نکردن انتخابات واقعی و گردش نخبگان، زمینه‌ی شکل‌گیری بحران مشارکت و مشروعیت را فراهم کرده است. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۸)

به طور کلی، ضعف هویت ملی، وجود وفاداری‌های محلی و طایفه‌ای و شکاف‌های عمیق مذهبی، که خشونت شدیدی در این کشور در پی داشته است، از موارد داخلی بحران و شکل‌گیری جریان‌های تکفیری به شمار می‌آید، بنا براین، شکاف مذهبی با برخورداری از سامانه‌ی رابطه‌ی اقلیت - اکثریت از توزیع نابرابر قدرت، موجب شده است جریان‌های تکفیری سنی برای ترمیم پی‌آمدهای سیاسی ناشی از آن، در عرصه‌ی سیاسی سوریه ظهور یابند و به کنش سیاسی قهرآمیز روی آورند. (میرعلی، محمدعلی، محسن، محمد؛ ۱۳۹۶ - شماره ۱۵)

نتیجه‌گیری

این جریان‌ها تلاش دارند به طور گسترده از مفهوم فقهی - کلامی تکفیر، برای توجیه جهاد خود علیه دیگران بهره برداری کرده و بدین ترتیب، بین خودی و غیرخودی مرز قرار دهند. آن‌ها گمان می‌کنند همه حق و حقیقت در اختیار آن‌هاست و آنچه غیر از نظر آنان باشد ناحق و باطل است؛ از این رو در نظرهای فقهی مرتبط با جهاد و مکفیره روشنی جهاد را علیه کفار، منافقان و مشرکان، از جمله شیعه، واجب دانسته و خون آن‌ها را حلال شمرده‌اند. اما با رد دلایل جریان‌های تکفیری، مشخص شد که این گروه، هیچ بهره‌ای از حقیقت نبرده‌اند، چنانچه نه با شیعه سازش دارند و نه عقاید اهل سنت را بر می‌تابند و قرائتی کاملاً متضاد با آموزه‌های اسلامی در پیش گرفته‌اند. به این دلیل که جمهورفقیهان و متکلمان اهل سنت فائلمند اهل قبله که به شهادتین اقرار دارند تکفیر نمی‌شوند، مگر این که یکی از

ضروریات دین را انکار کند. از این رو تکفیر جریان های تکفیری، کفر اعتقادی و فقهی نیست. بلکه عملکرد تکفیری ها در عصر حاضر و تحلیل های آنان بر جواز شیعه کشی و اظهارات صریح برخی سران تکفیری مبنی بر حقانیت جریان های تکفیری، و باطل بودن غیرآنان، توطئه جهان استکبار علیه مسلمانان بوده که امروزه به یک تفنن برای این جریان ها تبدیل شده است، به حدی که تکفیری ها صحنه های شیعه کشی خود را ثبت و ضبط کرده و به عنوان سند افتخار، منتشر می کنند. «تکفیر» در ابتدا با توجه به جایگاه فقهی - کلامی اش، به منظور دفاع از اسلام به وسیله جریان های تکفیری، مطرح شد، اما در حال حاضر، این جریان ها بیش از هر چیز با انگیزه سیاسی فعالیت می کنند و موجب ارباب مسلمانان در سراسر دنیا و ایجاد موج اسلام هراسی در جهان شده اند.

آنچه این نوشتار بدان پرداخت باز نمایی اهداف جریان های تکفیری نیست، بلکه نقد و بررسی دلایلی است که انتشار آن، وجود این جریان ها را دچار تزلزل خواهد کرد دلایلی که ریشه دینی ندارد، چون، بر طبق کتاب و سنت، بلکه تنها رویکرد سیاسی تکفیری ها منجر به ایجاد این پدیده شده است.

خطر جریان های تکفیری برای جهان اسلام، بر همگان مشخص است، زیرا نه خود تکفیری ها درک درستی از وضعیتی که ایجاد کرده اند دارند و نه غرب به عنوان بخش نرم افزاری و حامی این جریان می تواند به اصلاح امور بپردازد. از این رو اگر جهان اسلام در برابر جریان های تکفیری متحد شده و به مقابله هماهنگ بپردازند این توطئه استعمار علیه مسلمانان قابل کنترل است.

منابع

۱. ابن فارس، معجم المقاییس الغه، بیروت، دارالفکر، چ ۱، ۱۴۰۸ق.
۲. امام زاده فر، پرویز، تأملی بر ریشه های بحران در سوریه، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش راهبردی ش ۳۶۴، دی ماه ۱۳۹۲ش.
۳. امینیان، بهادرودیگران، داعش؛ پیوند سلفیت تکفیری و بعثی گرایی، فصل نامه ی علمی- پژوهشی آفاق امنیت، تابستان ۱۳۹۳، سال هفتم، ش ۲۳ش.
۴. آجورلو، حسین، ضعف تشکیلاتی شورای انتقالی سوریه و ناکارآمدی طرح گوفی عنان، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات خاورمیانه، چ ۱، ۱۳۹۲ش.
۵. باشگاه خبرنگاران جوان، javanonline.ir، ۱۳۹۲.
۶. بشریه، حسین بشیریه، جامعه شناسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۴ش.
۷. بهنساوی، سالم، نقد و بررسی اندیشه ی تکفیر، ترجمه؛ افسری، سالم، تهران، اقبال، ۱۳۸۸ش.
۸. پایگاه خبری- تحلیلی صراط، <http://www.seratnews.ir>، ۲۳۹۲.
۹. جوانی، یدالله، چشم اندازمذهب در سوریه، ۱۳۹۳ش، www.javanonline.ir.
۱۰. خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com>، ۱۳۹۲.
۱۱. خبرگزاری مهر، <http://www.mehrnews.com>، ۱۳۹۲ش.
۱۲. سردارنیا، خلیل الله و فائزه کیانی، تحلیل بحران سوریه ازمنظرشکاف های اجتماعی، دوفصل نامه ی علمی- پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، ش ۱، بهاروتابستان ۱۳۹۵ش.
۱۳. دلاوری، ابوالفضل، بررسی ریشه ها خشونت وبی ثباتی سیاسی در ایران، تهران، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۸ش.
۱۴. همو، در آمدی انتقادی برمفهوم و شاخص های بی ثباتی سیاسی، فصل نامه ی دولت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۴ش.

۱۵. رعایا، ناظم، مهدی داریوش، هدف نهایی از دخالت درسوریه، مرحله ی استراتژیک در جنگ پنتاگون علیه ایران، ترجمه؛ مفرح، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. زارمان، احمد، سنخ شناسی شکاف های اجتماعی درسوریه، فصل نامه ی مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۷. سمیعی اصفهانی، علیرضا، شکاف های اجتماعی و تأثیر آن بر رفتار سیاسی دولت در ایران معاصر، تهران، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. طارمی، کامران، تحلیل بر عوامل پیدایش و رشد سریع دولت اسلامی درسوریه و عراق، فصل نامه ی علمی-پژوهشی مطالعات روابط بین الملل، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۴.
۱۹. عباس زاده فتح آبادی، مهدی، تجاوز نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان سربر آوردن القاعده، فصل نامه ی اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۵۸ - ۲۵۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۷ ش.
۲۰. عنایت، حمید، اندیشه ی سیاسی در اسلام معاصر، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۶ ش.
۲۱. عبدالملکی، پیام؛ همایش جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، دوره ۱؛ ۱۳۹۳.
۲۲. فیرحی، داود، مبانی اندیشه های سیاسی اهل سنت حکومت اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. همو، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۲۴. قاسمیان، روح الله، کنکاشی در تحولات سوریه، ریشه ها، بازیگران و پی آمدها، تهران، مؤسسه ی مطالعات غرب آسیا و آفریقا، چ ۱، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. کریمی، علی، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی تنوع قومی، مسایل و نظریه ها، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. محب علی، ریشه های بحران، مهنامه، سال دوم، ش ۱۸، دی ماه ۱۳۹۰ ش.
۲۷. محمدرضا، طالبان، جامعه شناسی کلان؛ تحلیلی بین کشوری از بی ثباتی سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. محمدعلی و دیگران، نشریه جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین المللی: بهار ۱۳۹۶، شماره ۱۵.
۲۹. مرتضی، نجار: همایش جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، دوره ۱، ۱۳۹۳.
۳۰. نبوی، مهدی، رفتارشناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه در پرتو دکترین عمق راهبردی، مجله ی سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، ش ۹۴، بهار ۱۳۹۵ ش.
۳۱. میراحمدی، منصور، علی اکبر ولدبیگی، جریان های سلفی، از انقیاد تا افراط گرایی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۲، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۳۲. نجات، سیدعلی، کالبدشکافی داعش، تهران، مؤسسه ی فرهنگی مطالعات بین المللی ابرار معاصر، چ ۱، ۱۳۹۴ ش.
۳۳. نیاکویی، امیر، بررسی عوامل گسترش جریانات تکفیری در خاورمیانه، فصل نامه ی علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره ی چهارم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۴. نیاکویی، امیر، کالبدشکافی انقلاب های معاصر در جهان عرب، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. هرایر، دکمچیان، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه: حمیداحمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷ ش.